
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

شمارهٔ قفسه ۱۵۹۴۱

اعفرتوهود او عمر داغ ولدین رفیق کرام بی‌کسی یار مانده است یکذار کریمهٔ
کار زار و ریم و حبس ... محو درکوی وفای ... فرزند رسول همچنان ...

چنانچه جناب سیدالشهدا این سخن را از فرزند خود شنید ...

دری تیغ ... خنجر
بکذار تو ... آب ...

روایت که چون مظلوم کربلا در صحرای
کربلا غریب و بی‌یار ماند و زنان و امان
کودکان و اطفال واعطشا گویان حضرت
سیدالشهدا بهر طرف ملاحظه کرد
هیچ احدی را ندید

بعد از آن بروی منبر ایشان بمرقد پدر رفتی
امام حسین علیه السلام نمود
عرض کرد یا رسول الله نور دیده
را نظر کن

این کشته فتاده بهامون حسین تو است
وین صید دست و پا زده در خون حسین تو است

این خشک لب فتاده ممنوع از فرات
کز خون او زمین شده جیحون حسین تو است

این پیکر فتاده بی‌طاق خون کرهت
نعش از نشان یا بی‌بش از خون حسین تو است

ناگاه ملکی فریاد کرد که خاموش محتشم که
سنگ آب شد مرغ هوا و ماهی دریا
کباب شد ملک فریاد کرد ای محتشم
دیگر مصیبت نخوان که پیغمبر خدا غش کرده
محتشم از منبر فرود آمد و فی الحال گذشت
پیغمبر خدا بهوش آمدند و سنان صحرای
برای محتشم فرستادند هی گفتم بد خود
کرد که اشعار من بتعزیت آقای خود امام حسین
مقبول خاطر شریف رسول خدا نمیشود
ما هم میفرمودند بخوان که دین نکو بود
کرد چو بیدار آمد و بخدمت رسول خدا

قطعه

آقا او مفضل علیه الرحمة می‌نویسد که زن بابا
آقای خود امام حسین علیه السلام شدم چون
بشکل بابا که رسیدم شب دو عالم را
دیدم که بکوبیدی معک مشرف شدم و
در باب الستر داخل شدم دیدم که رضا
رسول خدا و علی مرتضی جمع کشیده جمع
ایشان بودند پیغمبر خدا محتشم را زود برند
محتشم بخوان ابیات را که تعزیت نوشته‌ای
حسین انشا کرده محتشم بپایه منبر آمد
نوشت بیت با بایه اول منبر قرار کرد رسول خدا
فرمودند بالا تر خواست بیت بایه دوم منبر قرار
گرفت رسول خدا فرمودند بالا تر تا

بالا تر فرمودند تا به بایه پنجم منبر قرار گرفت
و شروع بخواندن نمود باز این

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین
بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست
این رستخیز عام که نامش محرم است

کز آب طلوع میکند از مغرب آفتاب
کاشوب در تمامی ذرات عالم است

یکطرف زینب بخون عزم سنان دیدم
یا صبر ای بیکس و تنها [illegible]

مظلوم کربلا از شهادت این
اطفال کوچک بسیار گریه کردند
و بعد از وداع دیدار آخرین خدای
تعالی نمود و عرض کرد الهی
ببین که پسر پیغمبر ترا چه
میکنند

یا ربی ببین که چه ظلمی میکنند
با این غریب بیکس بیا دردم میکنند

١٥٩٤١
٢٠٧١٠٦

حیف بود [illegible] نام روشنت
[illegible]

دستار [illegible]
از [illegible]
داغ اکبر کرده [illegible]

[illegible]
طعنه این قوم [illegible]
[illegible]

عرض کرد یا رسول الله ابنک فاطمه
مادر حسین عرض ایدر کند مقتل فرماید
کد اشعار کرد و مصیبت نور دیده ام حسین
انشا کرده بخواند رسول خدا
طلب ایدب فرمودند ایمقبل بخوان اشعار
را که در مصیبت نور دیده ام انشا کرده
بکوید
عرض کردم یا رسول الله
سید شهدا دیو جلال طاقت
داشت نه دل کتاب
استقامت داشت
غالفجیه کدین عین
فاطمه

فاطمه اسب سکون کر دید ۱۹
بلند شاه نصد زمین افتاد
اک تلط نکم عرش بر زمین افتاد
بیکبار آورده کر
ایمقبل مصیبت خوان کر فاطمه زهرا
غش کرده از منبر زیر آمده زمانی
کذشت آمد و
آورده ابن خلف فاطمه
مقبل
الا لعنة الله علی القوم الظالمین

[illegible]

زهر زمینی که نشد ملکی زانی تو ولاو
قسم بجان تو تا شد یاسمین فرزد

[illegible]

[illegible]

گر در کوه از گرانی [illegible]
موج امواج [illegible] گرم شده

[illegible]
بچه عیسی به بطن مریم شد

[illegible]

گه به فکر اصول و گاه فروع
گاه در فکر [illegible]

[illegible]

[illegible]

گر یعقوب از فراق یوسف خود گریه کرد
... یوسف آن ... گریبت

هیچ کس بیشی از خلایق ... گریبت
بیشتر زنان هیچ اول ... آدم گریبت

[illegible]

ساقیا بودم ... دامن قلو باغلو ... ملک شاهم بو ... در نه قلت بالای ... مست

[illegible]

هزاران شکر کیم ... بو ماه
که قلدیم ... سلامه

حضرت ... ای آهو مطلبون ... ابیله آهو عرفی ایلیان ای مولا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

توان و به جفتو ... [illegible]

که خواندن ... [illegible]

[illegible] را که صفهان شیران و درو چون

[illegible] صفوف الکالب

ب جنبی چو هر ران [illegible]

[illegible] زبان [illegible]

محفظ غلط است [illegible]

او معنی [illegible] ولی [illegible]

[illegible]

علی [illegible] از [illegible]

علی عقل کل [illegible]

[illegible] طهور [illegible]

سجده [illegible] التواب

[illegible] علی الکم در [illegible]

[illegible] شور [illegible]

[illegible] شد علی الکم آمد

بنی را [illegible] و اسلام [illegible]

[illegible] از چار جانب

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کند علی

[illegible] کند علی

[illegible] کند علی

[illegible] کند علی

[illegible]